

روایهایی که می آیند

سازسان گلفر cinemaglobe.blogfa.comجسد‌های عالیجنابان

■ کمدی‌های انگلیسی و مکزیکی، درامی فرانسوی، مستندی رومانیایی که یادآور عنوان فیلم فرانتسکو زری، «جسد‌های عالیجنابان» است و یک ترسناک آمریکایی از جمله فیلم‌های پرشماری هستند که در این یکی، دو هفته رنگ پرده نقره‌ای را به خود دیده‌اند. اما نبض گیشه این هفته در فیلم پرستاره استیون سودربرگ می‌تپد که دو روز گذشته به اکران رسیده است و دو روز دیگر در این صفحه معرفی می‌شود.

■■■

بورک و هیر



Burke and Hare
این کمدی سیاه را جان لندیس (کارگردان «پلیس بورلی‌هیلز ۴۳») ساخته و فیلمنامه‌اش را پیتر اشورت و نیک مورکرافت براساس داستانی واقعی که در قرن نوزدهم اتفاق افتاده، نوشته‌اند. سایمون پگ و اندی سرکین نقش دو سارق مقبره را دارند که کار پرمفعتی در دانشکده پزشکی ادینبورگ به عنوان تامین‌کننده اجساد برای بخش شرح پیدا می‌کنند. نام ویلکینسون، ایلا فیشر و کریستوفر لی از دیگر بازیگران فیلم «بورک و هیر» هستند که محصول انگلستان و زمان نمایش آن ۹۱دقیقه‌است.

خوشحالم که مادرم زنده است



I'm Glad My Mother Is Alive
توماس (ماکسیم زلار- ونسان روتی پر) که مادرش (سوفی کاتانی) او را در زمانی که نوپا بوده، رها کرده و یافتن مادر واقعی برای او به یک دغدغه بزرگ تبدیل شده، بعد از سال‌ها جست و جو بالاخره او را با کودکی در حومه شهر پیدا می‌کند، اما افکار جنون‌آمیز دست از سرش بر نمی‌دارد. کلود میلر و پسرش ناتان فیلمنامه را براساس داستانی از اماوئل کارر نوشته‌اند و این درام ۹۰دقیقه‌ای فرانسوی را به‌طور مشترک کارگردانی کرده‌اند. فیلم برنده جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره مونترال و ونسان روتی‌بر برای آن نامزد جایزه بازیگری سزار بوده است.

نجات سرباز پرز



بتسو گومز، کارگردان این کمدی اکتشن پرماجراجی اسپانیایی‌زبان محصول کشور مکزیک، دنبای جاقاچقیان مواد مخدر را با جنگ در عراق پیوند زده است. سرکرده یکی از باندهای تبهکار مکزیکی از سوری مادرش مامور می‌شود تا در عملیاتی انتحاری به دنبال برادر کوچک‌ترش برود که برای گرفتن تابعیت آمریکا به ارتش آن کشور پیوسته و در عراق کم شده است. میگوئل روهارته، خسوس اوکوا و خواکین کاسیو از بازیگران این فیلم ۱۰۵دقیقه‌ای هستند که به علت وجود صحنه‌های خشن با درجه پی جی ۱۳ اکران گرفته است.



The Autobiography of Nicolae Ceausescu
تصاویر دیدنه‌شده‌ای از زندگی دیکتاتور معدوم کشور رومانی از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۹ که از آرشئو تلویزیون ملی و آرشئو فیلم آن کشور گرفته شده است، دستگابی تبلیغاتی تمام توانش را برای القای شکوه و اقتدار دیکتاتوری سرخ در آن تصاویر به کار برده اما تنوعین خلاقانه فیلمساز، اندری اوژیباک، از نکات دیگری حکایت دارد. زمان نمایش این مستند ۱۸۰دقیقه‌است و نیکلای چائوشسکو، همسرش الئا، لئونید برژنف، جیمی کارتر، شارل دوگل، میخائیل گورباچف، اریش هونکر، مائو، ریچارد نیکسون، شاهزاده فیلیپ و ملکه الیزابت دوم از جمله چهره‌هایی هستند که در این محصول مشترک رومانی و آلمان حضور دارند.

مخلوق

Creature
همان‌طور که از عنوان این فیلم پیداست، هیولایی نیمه‌انسان- نیمه‌تمساح که در اعماق مرداب‌های لوئیزیانا زندگی می‌کند، به جان چند جوان بخت‌برگشته می‌افتد که از بد حادثه گذرشان به آن مکان افتاده است. این فیلم ترسناک را فرد اندروز براساس فیلمنامه‌ای که همراه با تریسی مورس نوشته، کارگردانی کرده است و داریس آلن، دنیل برنهارت، مهکاد بروکز، سید هیگ و آملندا فوئر در آن بازی می‌کنند. زمان نمایش این فیلم که با بودجه سه‌میلیون دلار ساخته شده، ۹۳ دقیقه‌است.

گفت‌وگو با ناتان میلر درباره «خوشحالم که مادرم زنده است»

پرهیز از قضاوت

جیمز ون‌مانن / ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

■ شما قبلا در فیلم پدتر نان، «بهترین راه» بازی کرده‌اید، در آن فیلم برای اولین بار شما را دیدم. (ناتان از ته دل می‌خندد). بله شش سال داشتم. **■ حالا چند سال تان است؟** ۴۱ سال.

■ فیلم را اخیرا روی دی‌وی دیدم. یکی از دوستانم گفت، «حتما باید این را ببینی». اولین فیلم بلند پدرم بود. **■ واقعا؟ هنوز هم خیلی خوب است.** بله. از گذر زمان آسیب ندیده.

■ بعد در «لیلی کوچک» به عنوان فیلمبردار کار کردید. بله، همین‌طور در «راز» و «بتی فیشر و داستان‌های دیگر»، **■ به نظر من فیلم‌های پدتر نان – و حالا خودتان –**

سبک بصری به شدت موکدی ندارند، اما واقعتا را به شیوه‌ای عرضه می‌کنند که کمتر فیلمساز دیگری از عهد‌دش برمی‌آید. **واقعتا همان چیزی است که همه از یک فیلم خواهند هستند – یا ادعا می‌کنند که می‌خواهند – چه مستند باشد و چه روایی.** **کارگردان‌ها همه می‌خواهند ولی دستیابی به آن سخت است.** اما **فکر می‌کنم پدتر نان و شاید شما...**

از قضاوت پرهیز می‌کنیم. باید درباره شخصیت‌ها قضاوت نکند تا واقعتا بر این آنا کسب کنید.

■ همچنین مسایل را از زوایای مختلف می‌بینید. از دید اشخاص مختلف. به این ترتیب قضاوت دشوار می‌شود. بله و این خیلی جالب است. چون ما همه شخصیت‌ها را

دوست داریم. هیچ شخصیت شیطان صفتی نداریم.

■ حتی در «سفر کلاس» اتفاقی که می‌افتد، وحشتناک است. هورا، من در سالن سینما مضطرب شد. از تماشای «بتی فیشر» هم به همین دلیل دست کشید. **فیلم‌های شما به شیوه‌ای که ما معمولا به آن عادت نداریم، مضطرب‌کننده‌هستند.**

(ناتان به علامت توافق سر تکان می‌دهد و بعد با مترجم مشورت می‌کند) در مورد این فیلم اخیر باید بگویم که به دلایل فرمال، فیلم کلود نیست. چون من تنها کارگردان سر صحنه بودم. هر تصمیم را من گرفتم و جهت دوربین را من تعیین کردم. کلود پشت مونیتور ویدیویی می‌نشست و به کارهای من نگاه می‌کرد. گاهی اوقات که کاری به نظرش غلط می‌آمد، با هم در موردش بحث می‌کردیم. اما هیچ کس – به مفهوم واقعی کلمه- صدای او را در جریان فیلمبرداری نشنید.

■ پس این فیلم شماست؟

کلود میلر، کارگردان پیشکسوت فرانسوی پس از ساخت مستندی برای مجموعه‌ای با عنوان «گروه موسیقی رژه» که در ایالات متحده می‌گذرد، اکنون با «خوشحالم که مادرم زنده است» درامی درباره جوانان مشکل‌دار، بازگشته است. این فیلم نیز که مانند «گروه موسیقی رژه» به‌طور مشترک – با فردی جوان‌تر ساخته شده- در اینجا با ناتان پسر ۴۰ساله میلر- حسی بی‌قرار و تقریبا لمس شدنی دارد. در این فیلم پرتاگوونیست ترکی تصویر می‌شود که با مادر سببی خود که زمانی او را ترک کرده بوده، ارتباط عجیبی دارد. این فیلم که عنوانی سرسری برایش انتخاب شده، بسیار کوچک است و آن درامی نیست که بتواند در گیشه بفرشند اما عاشقانی در جشنواره‌ها خواهد یافت.

فیلم سفر درازی را تا پرده پیموده است که ۱۳سال پیش شروع شد، زمانی که ژاک اودیبار پسر از خواندن مقاله‌ای از اماوئل کارر بر اساس رویدادهایی واقعی، طرحی نوشت. آلن او هنری فیلمنامه‌ای بر اساس آن نوشت، پروژه به کلود میلر رسید که با پسرش آن را بازنویسی کرد. ژان- لویی لیوی تهیه‌کننده که از لحظه شکل‌گیری پروژه در کنار آن بود، به ناتان میلر پیشنهاد کارگردانی مشترک اثر را داد، آن هم پس از چندین کار کوتاه و کار در واحد دوم فیلمبرداری در فیلم‌های پدرش.

کلود میلر خود همیشه نوعی کارگردان بوقلمون صفت بوده، به شکلی شورش‌گرانه در چندین ژانر و سبک متفاوت فیلم ساخته، به همین دلیل دشوار می‌توان فهمید که میلر احتمالا چه چیزی را رو خواهد کرد. از لحاظ تماتیک (و نیز از زاویه‌ای متفاوت) این فیلم با «سفر کلاس» (یا «کلاس برقی»- ۱۹۹۸) و «یک راز» (۲۰۰۷) کارگردان مرتبط است، فیلم‌هایی که در آنها نیز به روابط مساله‌دار فرزندان والدین پرداخته شده بود. از لحاظ تکنیکی، فیلم جریان پیش‌رونده کندی دارد که حتی در برخی از فیلم‌های پیشین او بیشتر به چشم می‌آمدند.

ساختار ساده فیلم به شکلی کاملا گیج‌کننده بنا

سینمای جهان



عکس: OutNow

«خوشحالم که مادرم زنده است» اولین تجربه همکاری کلود میلر با پسرش، ناتان به عنوان نویسنده و کارگردان مشترک است. این فیلم همچنین یکی دیگر از فیلم‌های کلود میلر است (که فیلم‌هایی مانند «سفر کلاس»، «لیلی کوچک» و «راز» را در کارنامه دارد). که همه چیز در آن سسر راست به نظر می‌رسد، بدون آنکه نشانی از امضای اختصاصی کارگردان داشته باشد (این جمله را به حساب اعتراض ما به کارگردان‌ها بگذارید). در عوض، داستان به سادگی و به مناسب‌ترین شیوه ممکن برای آنک معنا و

نه مثل این است که یک اتومبیل خیلی خیلی بزرگ و درست و حسابی داشته باشید که هرگز آن را نرانده باشید. بعد پدتر نان کلید را به شما بدی. ولی او و ... **■ روی صندلی عقب بنشیند؟** بله، شما هم رانندگی کنید.

■ وقتی درباره کاری که کرده بودید، سوالی داشت، گاهی اوقات او نظر شما را می‌پذیرفت و گاهی شما نظر او را؟ قرار نبود کسی حرفش را به کرسی بنشاند ما فیلمنامه را با هم نوشتیم و در آن زمان به فرم کار دوربین – به جنبه زیبایی شناختی- توجه نداشتیم. حالا دیگر کلود فقط به فیلمنامه، بازیگران و تدوین علاقه‌مند است. اعتنایی به دوربین ندارد. البته نه اینکه اصلا نداشته باشد. اما خوشحال می‌شود که من آن کار را بکنم! هرگز از من نپرسید که چرا این‌طوری فیلمبرداری کردی؟ مشکل گاهی اوقات در کارگردانی بازیگرها و حس لحظات پیش می‌آمد (یادداشت نویسنده: احتمالا منظورش ضرابهنگ بود. باید این را می‌پرسیدیم)

■ وقتی شما ونسان روتی‌بر را به عنوان بازیگر انتخاب کردید، در فیلم «در اصل» بازی کرده بود؟ تازه فیلمبرداری آن فیلم را شروع کرده بود، که فیلمبرداری آن هم خیلی طول کشید. بنابراین ما منتظرش ماندیم.



■ فکر می‌کنم او ستاره بزرگی خواهد شد. مطمئمن که می‌شود. او خارق‌العاده است. در ۱۳سالگی کارش را شروع کرد و تا الان که فقط ۲۲سال دارد، در ۲۰فیلم بازی کرده است. اما اصلا مشهور نیست و خیلی شخصیت آرام، قوتون و گوشه‌گیری دارد.

■ کاملا با فیلم شما جور است.

بیشتر از آنکه بتوانید تصور کنید! ملاقات ما باورنکردنی بود. او دوست نزدیک من نیست. شاید در جریان فیلمرداری ۱۰کلمه با هم صحبت کرده باشیم. اما در طول



عکس: OutNow

درباره فیلم «خوشحالم که مادرم زنده است»

فیلمی بدون تابلو راهنما

درک الی/ ترجمه: وحیداله موسوی

می‌شود، در حالی که پرده اول در بین گذشته و حال در ابتدا و شد است، بدون وجود هیچ نوع تابلو راهنمایی که در ابتدا بیننده را هدایت کند (فلش بک‌ها همگی با دوربینی ایستا و نه دوربین روی دست فیلمبرداری شده‌اند، هر چند کنتراست بصری چندان مشهود نیست). در ابتدا او را در سن ۱۲سالگی، در تعطیلات با والدین ایو (همان ایو ورهوفن ظریف که بازیگر همیشگی میلر است) و آنی (کریستین سیتی زمخت) می‌بینیم، توماس ژووه (ماکسیم زلار) بچه‌ای مساله‌دار است که در عالم خودش زندگی می‌کند و همیشه وقتی همکالاسی‌هایش درباره فرزند خواندگیش سر به راه به جا نمی‌آورد و توماس فقط به او زل می‌زند و از آنجا سرش می‌گذارد تا آنها دست به بقه می‌شود.

والدینش در نهایت او را به یک مدرسه شبانه‌روزی می‌فرستند و از آنجا تصمیم می‌گیرد که نهایتا دنبال زنی به نام ژولی (سوفی کاتانی) برود که او – و برادرش، پاتریک – را وقتی که او پنج‌سال داشته، رها کرده بود. در یک بخش از فیلم که کاتب به نظر می‌رسد، پسر بچه موفق می‌شود یک مسئول اسناد دولتی و محلی را متقاعد کند که لطفی در حشش کند و آدرس فعلی ژولی را به او بدهد.

وقتی ژولی در را به روی او باز می‌کند، برادر است و او را به جا نمی‌آورد و توماس فقط به او زل می‌زند و از آنجا



عکس: OutNow

منبع:ورایتی

ار تباطش با دنیای ما آشکار باشد، بازگو می‌شود. آنچه من در آن کلود میلر دوست دارم، این است که بدون سعی در توضیح بیش از حد یا ساده‌سازی بیش از حد شخصیت‌ها و موقعیت‌ها، همیشه دنیا را به شیوه‌ای تازه و متفاوت پیش روی ما می‌شاید و کاری می‌کند که تکه‌های آن را به بهترین شیوه سر هم کنیم. هنگام برگزاری برنامه «ملاقات با سینمای فرانسه» در مرکز انجمن فیلم لینکلن در نیویورک با ناتان میلر درباره این همکاری با پدرش در مقام نویسنده و کارگردان گفت‌وگو کرده‌ایم.

دیدن فیلم از آن خوش‌شان آمده است. به ما می‌گویند: «ها نمی‌دانستیم فیلم درباره این است!» شاید ما در توضیح اینکه فیلم درباره چیست، اشتباه کرده‌ایم.

■ شاید اگر ندانند داستان درباره چیست، بهتر از فیلم استقبال کنند. با شما موافقم، ولی مطبوعات همیشه می‌خواهند داستان را بگویند و کمی بیش از حد صحبت کنند.

■ من هم این‌طور فکر می‌کنم. در واقع اگر قرار باشد چیزی را در نقد فیلم در این کشور (ایالات متحده) تغییر بدهیم، باید صحبت کردن درباره ری‌نگ داستان باشد!

■ هیچ‌کس نیامد؟ آه، بله، همیشه سراغ پی‌رینگ می‌روند.

■ حتی در تیزرهای که این روزها ساخته می‌شود. همه چیز را می‌گویند!

■ همه چیز! خوشبختانه این فیلم کوچک و جمع‌وجوری بود.

■ هزینه ساختنش خیلی زیاد نبود؟ ولی برای من سخت بود.

■ شرط می‌بندم، همین‌طور بود. کار بعدی تان چیست؟ آه، داستان عجیبی است. پاسکال فران، نویسنده‌ای که چند سال پیش فیلم «خانم چترلی» را نیز کارگردانی کرده، همراه با پی‌ری تریویدیک نویسنده (آن را نوشته است). او با یک داستان خیلی عجیب درباره شاتویریان، نویسنده مشهور قرن نوزدهم فرانسه، پیش من آمد. داستانش کاملا متفاوت است. در مورد «خوشحالم که مادرم زنده است» باید بگویم که این هم برای ما متفاوت بود. تهیه‌کننده از ما خواست این را کارگردانی کنیم. این فیلمی نبود که از من یا کلود ریشه گرفته باشد. اصلا از آن نوع فیلم‌هایی نبود که ما می‌ساختیم، معمولا کلود داستان را انتخاب می‌کند ولی این بار تهیه‌کننده آن را انتخاب کرد. ژاک اودیبار نمی‌خواست آن را کار کند، بنابراین فیلم را به ما دادند. به همین علت است که نام ژاک اودیبار را در عنوان‌بندی به عنوان تهیه‌کننده می‌بینید.

منبع: تراس‌ت موویز

عکس: OutNow

فرار می‌کند. برش به هشت سال بعد و توماس بزرگسال (ونسان روتی‌پر) اکنون در یک گازاژ مکانیکی کار می‌کند و در نهایت جرأت می‌کند تا خود را به ژولی معرفی کند، با گل و شکلات، به عنوان یکی از پسران گمشده او. صحنه‌ای کلیدی است، نیمی از فیلم گذشته و اعتبار دراماتیکی فیلم به آن وابسته است! اما روتی‌پر و کاتانی نوعی فعل و انفعال آتی بر پرده دارند که فیلم را به جریان می‌اندازند: ژولی، که اکنون مستقل با پسر جوانش زندگی می‌کند، محتاطانه به نوعی بی‌خودمانی با توماس می‌پردازد و این شروع نوعی ارتباط عجیب و غریب بین پسر و مادر است که به یک پایان غافلگیرکننده (و ناگهانی) منجر می‌شود.

هر چند که نکات ظریف زبانی در زیرنویس انگلیسی غیرقابل ترجمه‌اند، اما رابطه عجیب و نامعمول آنان در زبان فرانسه از طریق کاربرد ضمایر متفاوت مشخص شده است،

زن پسر را «تو» خطاب می‌کند (شیوه خطاب یک والد به یک فرزند) اما پسر همیشه او را «شما» می‌نامد (گویی دارد با دوستش حرف می‌زند). اما پس کشیدن روتی‌پر که به شکل ظریفی نقش یک کاراکتر شکننده را دارد- در حال ایفای نقشی در نوسان- طرف‌ات‌هایی را می‌طلبد که کاتانی به شکلی پرشورتر آنها را تصویر می‌کند.

بخش میانی طولانی فیلم می‌توانست کوتاه‌تر شود؛ چرا که خط سیر داستانی مخدوش می‌شود و چندان چیزی به روابط تثبیت شده نمی‌افزاید. دوربین روی دست موجب می‌شود نوعی احساس مبتنی بر صمیمیت ملموس با کاراکترها به وجود بیاید (اغلب از طریق اینسرت‌های کلوزآپ) بدون اینکه مایه حواس‌پرتی بشود و تدوین نیز که بدون اینکه آزاردهنده باشد، بی‌قرار است (و گاه حذف‌های بزرگ را می‌پوشاند) همین کارکرد را دارد. موسیقی ونسان سگال، فیلم را نگه می‌دارد و به سرعت نوعی فضای پر از تشویش به وجود می‌آورد.

عکس: OutNow

منبع:ورایتی

تازه چه خبر دکتر جون؟

دنیاله «بیتل جویس»



■ فیلم «بیتل جویس» تسم برتن که در سال ۱۹۸۸ ساخته شده، به زودی صاحب دنیاله‌ای خواهد شد که خود برتن آن را کارگردانی می‌کند. به گزارش ددلاین، دیوید کاتزنبرگ (پسر جفری کاتزنبرگ، سرپرست استودیو دریم ورکر) و ست گراهام‌اسمیت (نویسنده «براهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» و فیلم در دست تولید تسم برتن با عنوان «سایه‌های تاریک») به عنوان بخشی از یک قرارداد دو ساله با شرکت برادران وارنر نگارش تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده دارند. فیلم فعلا «بیتل جویس به هالویی می‌رود» نام دارد و احتمالا گراهام اسمیت فیلمنامه‌اش را می‌نویسد. در فیلم کمدی «بیتل جویس»، مایکل کیتون نقش شخصیتی به همین نام را بازی می‌کرد که یک زوج تازه از دنیارفته (آلک بالدوین و جینا دیویس) قصد داشتند از او برای فراری دادن خانواده دیگری که به خانه آنها نقل مکان کرده بودند، استفاده کنند.

شهرت و ثروت الویس پریسلی



■ ۳۴سال پس از مرگ الویس پریسلی اعلام شد که بالاخره فیلمی سینمایی درباره زندگی او ساخته خواهد شد که در سال ۲۰۱۲ به نمایش در خواهد آمد. به گزارش هالیوود ریپورتر، این فیلم که «شهرت و ثروت» نام دارد براساس کتاب «الویس: هنوز مراقب کار» ساخته خواهد شد که محافظ شخصی او، سانی وست با کمک زندگینامه‌نویسی به نام مارشال تریل آن را نوشته است. این فیلم را جان شینفلد کارگردانی خواهد کرد که پیش از این آثاری مانند مستند سینمایی «مریکا علیه جان لنون»، مستند تلویزیونی «آوازهای ریکی نلسن» و مجموعه تلویزیونی «زندگینامه» را ساخته و نامزد جوایز امی و گرمی نیز شده است. پیش از این چند فیلم تلویزیونی درباره زندگی این چهره آسمانه‌ای موسیقی راک ساخته شده بود که یکی از آنها با عنوان «الویس» را جان کارنتر کارگردانی کرده بود. بسیاری از هواداران پریسلی، محافظ او سانی وست را یک خائن می‌دانند، چون پیش از کتابی که قرار است مبنای این فیلم قرار گیرد و پیش از مرگ الویس، با نوشتن کتاب دیگری با عنوان «الویس، چه اتفاقی افتاد؟» و برلا کردن سوبه تاریک زندگی آن خواننده، خشم خود او را نیز پراکنگخته بود.

ادی مورفی، مجری اسکار



■ ننام ادی مورفی، بازیگر سیاهپوست کمدی‌های اکتشن «پلیس بورلی‌هیلز»، «۴۸ ساعت» و «پروفسور دیوانه» و صداییش نقش الاغ مجموعه «شرک» به عنوان مجری هشتاد و چهارمین دوره مراسم اهدای جوایز اسکار اعلام شد. این دوره از مراسم اسکار که امسال در تاریخ هفتم اسفند در کدک تیتز لس‌آنجلس برگزار می‌شود احتمالا بیش از هر دوره دیگری سیاهپوستان را محور قرار داده است. علاوه بر مورفی در نقش مجری اصلی مراسم، نام ایرا وینفری و جیمز آل‌جونز نیز پیش از این به عنوان دریافت‌کنندگان اسکار افتخاری اعلام شد (آدمی که اولما مربوط دانست؟

تنهایی جیمز باند روی سقف قطار



■ دولت هندوستان به سازندگان بیست و سومین فیلم سینمایی جیمز باند اجازه بدلسکاری روی سقف یک قطار را نداد و از نویسندگان فیلمنامه خواست تا صحنه را تغییر دهند چون نشان دادن مردمی که روی سقف قطار نشسته‌اند، مایه آبروریزی آن کشور خواهد بود. به نوشته هندوستان تایمز، در فیلمنامه اصلی قرار بود جیمز باند، با بازی دنیل کریگ، از روی موتور به سقف قطار بپرد که پر از مسافر بود. اما وزیر راه‌آهن دولت هند اعلام کرد که اجازه فیلمبرداری این صحنه فقط در صورتی صادر خواهد شد که مسافران در داخل قطار باشند. در این گزارش، نشستن روی سقف قطار در هندوستان اقدامی خطرناک و «غیر قانونی» اعلام شده است. در فیلم «اختاپوس» با بازی راجر مور در نقش جیمز باند نیز که در سال ۱۹۸۳ بر روی پرده رفت، یک صحنه درگیری روی سقف قطار در هندوستان وجود داشت. بیست و سومین فیلم جیمز باند که هنوز عنوانی ندارد را سم مندس، کارگردان «زیبا آمریکایی»، «جاده دوزخ» و «راه رولوشنری» می‌سازد و علاوه بر کریگ، رالف فائینس، خاویر باردم، جودی دنچ، بن ویشاو و نیلمی هریس در آن حضور دارند.